

آیا ازدواج دو دختر پیامبر (ص) با عثمان صحت دارد؟

سوال کننده : میلاد فنانی

پاسخ :

یکی از فضیلت هایی که برای عثمان بن عفان نقل کرده اند ، ازدواج با دو دختر نبی مکرم اسلام صلی الله علیه وآله وسلم به نام های رقیه و ام کلثوم است . در این باره نظریات مختلفی وجود دارد ، اهل سنت با قاطعیت تمام بر آن پافشاری می کنند ؛ اما از طرف دیگر برخی از محققین شیعه بر این اعتقاد هستند که همسران عثمان هیچ کدامشان دختر پیامبر نبودند ؛ بلکه ربیبه آن حضرت و دختران خواهر حضرت خدیجه بوده اند و برای این احتمال دلیلی نیز ذکر کرده اند که ما بدون هیچگونه اظهار نظر این دلایل را به صورت مختصر نقل و قضاوت به عهده خوانندگان گرامی وا می گذاریم .

دوستان عزیز که مایل به تحقیق بیشتر در این باره هستند می توانند به این کتاب ها مراجعه بفرمایند : **ازواج النبی و بناته ، تألیف الشیخ نجاح الطائی و الصحیح من سیرة النبی الأعظم نوشته سید جعفر مرتضی و ...**

اما دلیلی که در این باره آورده شده است :

۱ . عدم وجود رابطه صمیمانه بین پیامبر و دیگر دختران آن حضرت :

با رجوع به سیره نبی مکرم اسلام و دقت در آن ، در می یابیم که روایات بسیاری از رابطه بسیار صمیمانه نبی مکرم اسلام و دختر بزرگوارش صدیقه طاهره سلام الله علیها حکایت می کند ؛ تا جایی هر زمانی پیامبر اسلام به سفر می رفت ، آخرین کسی که با او خدا حافظی می کرد ، فاطمه زهرا بود و وقتی از سفر بر می گشت ، قبل از هر کاری به دیدار فاطمه می رفت و در خانه او را می زد . روایات فراوانی در کتاب های شیعه و سنی این رابطه بسیار صمیمانه را ثابت می کند ؛ از جمله بسیاری از علمای شیعه و سنی یکی از القاب آن حضرت را « ام ابیها » نقل کرده اند . ابن حجر عسقلانی در تهذیب و الإصابه ، ذهبی در سیر اعلام النبلاء و الکاشف خود نوشته اند :

فاطمة الزهراء ... كانت تكني أم أبيها .

الإصابة - ابن حجر - ج ۸ - ص ۲۶۲ و سیر اعلام النبلاء - الذهبي - ج ۲ - ص ۱۱۸ - ۱۱۹ و الکاشف في معرفة من له رواية في كتب السنة - الذهبي - ج ۲ - ص ۵۱۴ و تهذیب الکمال - المزني - ج ۳۵ - ص ۲۴۷ و أسد الغابة - ابن الأثير - ج ۵ - ص ۵۲۰ و الاستيعاب - ابن عبد البر - ج ۴ - ص ۱۸۹۹ .

اما هیچ روایتی ؛ حتی يك روایت ضعیف نیز در کتاب های شیعه و سنی نقل نشده است که پیامبر اسلام حتی یکبار در خانه رقیه و ام کلثوم را زده باشد . چرا پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله وسلم این رابطه بسیار صمیمانه را با دیگر دختران خود نداشته است ؛ نه در مدینه و نه حتی در مکه ؟ مگر نه این که به ادعای اهل سنت آن ها نیز یادگار خدیجه بودند ؟ هر چند که فاطمه زهرا از هر نظر از تمامی زنان عالم متمایز بوده است ؛ ولی اگر پیامبر دختری غیر از فاطمه داشت ، شایسته بود که این رابطه صمیمانه بین آن ها نیز وجود داشته باشد .

و یا در زمانی که کفار قریش پیامبر اسلام را آزار و اذیت می کردند ، دیگر دختران رسول خدا کجا بودند که از پدر حمایت کنند ؟ بخاری و مسلم در صحیحشان نوشته اند :

عَنْ ابْنِ مَسْعُودٍ قَالَ بَيْنَمَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يُصَلِّي عِنْدَ الْبَيْتِ وَأَبُو جَهْلٍ وَأَصْحَابٌ لَهُ جُلُوسٌ وَقَدْ نَجَرَتْ جَزُورٌ بِالْأَمْسِ فَقَالَ أَبُو جَهْلٍ أَيُّكُمْ يَقُومُ إِلَيَّ سَلَا جَزُورِ بَنِي فَلَانَ فَيَأْخُذُهَا فَيَضَعُهَا فِي كَتْفِي مُحَمَّدٌ إِذَا سَجَدَ فَنَابَعَتْ أَشَقِي الْقَوْمِ فَأَخَذَهُ فَلَمَّا سَجَدَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَضَعَهُ بَيْنَ كَتْفَيْهِ قَالَ فَاسْتَضْحَكُوا وَجَعَلَ بَعْضُهُمْ يَمِيلُ عَلَيَّ بَعْضٌ وَأَنَا قَائِمٌ أَنْظُرُ لَوْ كَانَتْ لِي مَنَعَةٌ طَرَحْتُهُ عَنْ ظَهْرِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَالنَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ سَاجِدًا مَا يَرْفَعُ رَأْسَهُ حَتَّى انْطَلَقَ إِنْسَانٌ فَأَخْبَرَ فَاطِمَةَ فَجَاءَتْ وَهِيَ جُوبِرِيَةٌ فَطَرَحْتُهُ عَنْهُ ثُمَّ أَقْبَلَتْ عَلَيْهِمْ تَشْتِمُهُمْ .

از ابن مسعود روایت شده است که گفت : هنگامی که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله در برابر خانه کعبه نماز می گزارد ، ابو جهل و همدستانش در نزدیکی خانه نشسته بودند و يك روز قبل از آن ، بچه شتری نحر شده بود . ابو جهل به همدستان خود گفت : کداميك از شما حاضر است برود و شکمبه آن شتر را بیاورد و هنگامی که محمد صلی الله علیه و آله در سجده است ، آن ها را روی شانه او بیفکند ؟ بدترین آنها پیشقدم شد و دستور ابو جهل را عملی ساخت . در حالی که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله در سجده بود ، آن شکمبه آلوده را روی شانه رسول خدا صلی الله علیه و آله افکند . ابو جهل و همدستانش از مشاهده این منظره بسیار خندیدند به طوری که بعضی از آن ها از شدت خنده به روی دیگری می افتاد !

ابن مسعود می گوید : من در این هنگام گوشه ای ایستاده بودم و جریان را مشاهده می کردم ، لیکن جرئت آن را نداشتم که شکمبه را از روی شانه حضرتش بردارم . پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله همچنان در حال سجده بود و سر از سجده بر نمی داشت تا این که مردی به حضور حضرت زهرا علیها السلام شتافت و جریان را به عرض رسانید . حضرت فاطمه علیها السلام در حالی که از شنیدن این سخن به شدت ناراحت شده بود ، آمد و آن را از روی دوش حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله برداشت و آن ها را مورد شماتت و ملامت قرار داد .

در تمامی گرفتاری هایی که برای نبی مکرم اسلام پیش می آمد ، تنها کسی که می آمد پدر را دلداري می داد ، زخم های او را مداوا می کرد ، فاطمه زهرا بود . اگر آن ها نیز دختر رسول خدا بودند ، شایسته بود که آن ها نیز فاطمه را در دفاع از پدر یاری کنند .

بعد از جنگ احد که صورت نبی مکرم زخمی شده بود ، رقیه و ام کلثوم کجا بودند که همانند فاطمه بیایند و زخم های پدر را شستشو بدهند ؟

مگر نه این که به قول آن ها ، آن دو نیز دختران پیامبر بودند ؛ پس چرا هیچ نوع رابطه ای بین پیامبر اسلام با دختران دیگرش نقل نشده است ؟

2 . در قضیه مباحله که پیامبر تمام بستگان درجه يك خود را انتخاب کرد ، چرا دیگر دختران خود را نبرد و از بین «نساء» خود فقط فاطمه را انتخاب کرد ؟

مسلم در صحیح خود می نویسد :

عَنْ عَامِرِ بْنِ سَعْدِ بْنِ أَبِي وَقَّاصٍ عَنْ أَبِيهِ قَالَ قَالَ أَمْرٌ مَعَاوِيَةَ بْنِ أَبِي سُفْيَانَ سَعْدًا فَقَالَ مَا مَنَعَكَ أَنْ تَسُبَّ أَبَا التَّرَابِ فَقَالَ أَمَا مَا ذَكَرْتُ ثَلَاثًا قَالَهُنَّ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَلَنْ أَسُبَّهُ لَأَنْ تَكُونَ لِي وَاحِدَةً مِنْهُنَّ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ حُمْرِ النَّعَمِ ... وَلَمَّا نَزَلَتْ هَذِهِ آيَةُ { فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ } دَعَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَلِيًّا وَفَاطِمَةَ وَحَسَنًا وَحُسَيْنًا فَقَالَ اللَّهُمَّ هَؤُلَاءِ أَهْلِي .

صحیح مسلم ، ج 5 ، ص 23 ، کتاب فضائل الصحابة ، باب من فضائل علي بن أبي طالب ، ح 32 .

عامر بن سعد بن ابیوقاص از پدرش (سعد بن ابیوقاص) نقل کرده است که معاویه سعد را امر کرد و گفت : تو را چه مانع است که ابوتراب (علی بن ابی طالب - علیه السلام) را دشنام دهی ؟ (سعد) گفت : من سه چیز (سه فضیلت) را از او در خاطر دارم ، که رسول خدا - صلی الله علیه و آله و سلم - درباره وی فرموده است ، هرگز وی را دشنام نخواهم داد . چنانچه من یکی از این سه فضیلت را می داشتم از شتران سرخ مو برایم محبوبتر بود ... وقتی این آیه نازل گردید : (... فقل تعالوا ندع أبناءنا و أبناءکم و نساءنا و نساءکم و أنفسنا و أنفسکم ...) پیامبر - صلی الله علیه و آله و سلم - علی و فاطمه و حسن و حسین - علیهم السلام - را فراخواند و فرمود : «خدایا، اینان اهل من هستند» .

آیا «نساءنا» شامل دیگر دختران پیامبر نمی شد ، یا پیامبر دختر دیگری غیر از صدیقه طاهره نداشت ؟

3. چرا هیچ کس از دیگر دختران پیامبر خواستگاری نکردند ؟

قضیه دیگری که بطلان این قضیه را روشن می کند ، این است که در هیچ جایی از تاریخ ثبت نشده است که در مدینه ، احدی از مهاجرین و یا انصار به خواستگاری ام کلثوم رفته باشد ؛ با این که برای خواستگاری از فاطمه زهرا و رسیدن به افتخار دامادی پیامبر ، بر یکدیگر پیش دستی می کردند و هر کس دوست داشت این افتخار نصیب او شود . آیا ام کلثوم دختر پیامبر نبود یا اصلاً چنین دختری وجود خارجی نداشت ؟

4. حرمت جمع بین دختران رسول خدا و دختران دشمن خدا :

علما و محدثین اهل سنت برای خرده گیری از امیر المؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که آن حضرت در زمانی که فاطمه سلام الله علیها همسر او بود ، دختر ابو جهل را نیز خواستگاری کرد . این امر باعث شد که صدیقه طاهره ناراحت شده و شکایت خود را پیش پیامبر ببرد !! پیامبر اسلام وقتی از این قضیه با خبر شدند ، با عصبانیت به مسجد آمد و فرمود :

وَأَنَّ فَاطِمَةَ بَضْعَةٌ مِنِّي وَإِنِّي أَكْرَهُ أَنْ يَسُوءَهَا وَاللَّهُ لَا تَجْتَمِعُ بِنْتُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَبِنْتُ عَدُوِّ اللَّهِ عِنْدَ رَجُلٍ وَاحِدٍ . صحیح البخاری - ج 4 - ص 212 - 213

فاطمه پاره تن من است ، من دوست ندارم کسی او را ناراحت کند ، به خدا قسم نباید دختر رسول خدا و دختر دشمن خدا در نزد یک نفر جمع شود .

و در روایت دیگری نوشته اند که آن حضرت فرمود :

إِلَّا أَنْ يُرِيدَ ابْنُ أَبِي طَالِبٍ أَنْ يُطَلِّقَ ابْنَتِي وَيَنْكِحَ ابْنَتَهُمْ فَإِنَّمَا هِيَ بَضْعَةٌ مِنِّي يُرِيدُنِي مَا أَرَانَهَا وَيُؤْذِينِي مَا آذَاهَا .

صحیح البخاری ج 6 ، ص 158 ، ح 5230 ، کتاب النکاح ، ب 109 - باب ذبُّ الرَّجُلِ عَنِ ابْنَتِهِ ، فِي الْغَيْرَةِ وَالْإِنْصَافِ وَ صحیح مسلم ، ج 7 ، ص 141 ، ح 6201 ، کتاب فضائل الصحابة رضي الله تعالى عنهم ، ب 15 - باب فضائلِ فَاطِمَةَ بِنْتِ النَّبِيِّ عَلَيْهَا الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ .

علي (علیه السلام) اگر می خواهد دختر ابوجهل را بگیرد ، باید دختر من را طلاق بدهد . فاطمه پاره تن من است ، آن چه که موجب رنجش فاطمه بشود ، مرا می رنجاند ...

از آن جایی که بحث تنقیص مقام امیر المؤمنین علیه السلام در میان است ، علمای اهل سنت این قضیه را با آب و تاب فراوانی نقل کرده اند ؛ غافل از این که عثمان بن عفان نیز عملاً بین دختران پیامبر و دختران دشمنان خدا نه یکبار که چندین بار جمع کرده است .

رملة بنت شيبه ، یکی از همسران عثمان است که در مکه با او ازدواج کرد و از کسانی بود که همراه عثمان به مدینه مهاجرت کرد . ابن عبد البر در این زمینه می نویسد :

رملة بنت شيبه بن ربيعة كانت من المهاجرات هاجرت مع زوجها عثمان بن عفان .

الاستيعاب ، ج 4 ، ص 1846 رقم 3345 .

رملة ، دختر شيبه از کسانی بود که همراه همسرش عثمان به مدینه مهاجرت کرد .

و شيبه از دشمنان پیامبر اسلام است که در جنگ بدر به هلاکت رسیده است ؛ چنانچه ابن حجر می نویسد :

رملة بنت شيبه بن ربيعة بن عبد شمس العبشمية قتل أبوها يوم بدر كافرا .

الإصابة ، ج 8 ، ص 142 - 143 رقم 11192 .

رملة ، دختر شيبه ... پدرش در جنگ بدر کشته شد ، در حالی که کافر بود .

در حالیکه نوشته اند در همان زمان رقيه دختر رسول خدا ! نیز همسر عثمان بوده است . ابن اثیر در اسد الغابة می نویسد :

ولما أسلم عثمان زوجته رسول الله صلى الله عليه وسلم بابنته رقية وهاجرا كلاهما إلي أرض الحبشة الهجرتين ثم عاد إلي مكة

وهاجر إلي المدينة .

أسد الغابة، ج 3، ص 376 .

زمانی که عثمان اسلام آورد ، رسول خدا دخترش رقیه را به همسری او درآورد ، هر دوی آن ها به سرزمین حبشه مهاجرت کردند ، سپس وقتی از آن جا بازگشتند ، به مدینه مهاجرت کردند .

علاوه براین ، عثمان با أم البنین بنت عیینة و فاطمة بنت الولید بن عبد شمس نیز ازدواج کرده است ؛ در حالی که پدر هر دوی آن ها نیز در آن زمان از دشمنان خدا بوده اند .

اگر واقعاً جمع بین دختر رسول خدا و دختر دشمن خدا ، حرام بوده است ، چرا عثمان این عمل حرام را بارها و بارها مرتکب شده است ؟ و اگر حرام نبوده ، چرا پیامبر اسلام به قول اهل سنت اجازه چنین کاری را به امیر المؤمنین نداد و نعوذ بالله می خواست حلال خدا را حرام کند ؟ پس معلوم می شود که یا قضیه خواستگاری از دختر ابوجهل از اختراعات بنی امیه و برای تنقیص مقام امیر المؤمنین است ، یا پیامبر اسلام دختری غیر از صدیقه طاهره نداشته است ؟

5 . از دلایلی که دروغ بودن این قضیه را روشن می سازد ، این است که بسیاری از علمای اهل سنت و از جمله ضیاء المقدسی گفته اند :

عن قتادة ، قال : ولدت خديجة لرسول الله (صلي الله عليه وآله وسلم) : عبد مناف في الجاهلية ، وولدت له في الاسلام غلامين ، وأربع بنات : القاسم ، وبه كان يكنى : أبا القاسم ، فعاش حتي مشي ، ثم مات ، و عبد الله ، مات صغيرا . وأم كلثوم . وزينب . ورقية . وفاطمة

البدء والتاريخ، ج 5، ص 16 و ج 4، ص 139 .

قتاده گفته است : خدیجه برای نبی مکرم اسلام ، در عهد جاهلیت ، عبد مناف را به دنیا آورد و بعد از اسلام ، دو پسر و چهار دختر به نام های : قاسم- به خاطر او کنیه پیامبر را «ابوالقاسم» گذاشتند ، آن قدر زنده بود که می توانست راه برود بعد از آن فوت کرد- و عبد الله که خردسال فوت کرد ، و ام کلثوم ، زینب ، رقیه و فاطمه را به دنیا آورد .

شهاب الدین قسطلانی بعد از نقل سخن مقدسی می نویسد :

وقيل : ولد له ولد قبل المبعث ، يقال له : عبد مناف ، فيكونون علي هذا اثني عشر ، وكلهم سوي هذا ولد في الاسلام بعد المبعث .

المواهب اللدنية، ج 1، ص 196 .

گفته اند که که خدیجه قبل از مبعث يك پسر برای او به دنیا آورد که به او عبد مناف می گفتند ، غیر از عبد مناف بقیه فرزندان پیامبر بعد از مبعث متولد شده است .

و ابن عبد البر در الإستیعاب می نویسد :

وقال الزبير ولد لرسول الله صلي الله عليه وسلم القاسم وهو أكبر ولده ثم زينب ثم عبد الله وكان يقال له الطيب ويقال له الطاهر ولد بعد النبوة ثم أم كلثوم ثم فاطمة ثم رقية .

الاستيعاب - ابن عبد البر - ج 4 - ص 1818 .

زبیر گفته : نخستین فرزند رسول خدا که به دنیا آمد ، قاسم بود و او از همه بزرگتر بود ، پس او زینب ، و پس از وی عبد الله که به وی طیب و یا طاهر نیز می گفتند بعد از نبوت متولد شد ، پس از آن ام کلثوم ، سپس فاطمه و پس از وی رقیه به دنیا آمدند .

از طرف دیگر نوشته اند که رقیه ، کوچکترین دختر رسول خدا و حتی از حضرت زهرا سلام الله علیها نیز کوچکتر بوده است . چنانچه ابن کثیر دمشقی می نویسد :

أكبر ولده عليه الصلاة والسلام القاسم ، ثم زينب ، ثم عبد الله ، ثم أم كلثوم ثم فاطمة ثم رقية ...

بزرگترین فرزند ، پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم قاسم ، و پس از آن ، زینب ، عبد الله ، ام کلثوم ، فاطمه و پس از آن رقیه بوده است .

با این تفصیل ، چگونه می توان این سخن اهل سنت را تصدیق کرد که رقیه با عثمان ازدواج کرده ، بعد با او به حبشه مهاجرت نموده و حتی در داخل کشتی فرزندی از او سقط شده است !!! . با این که می دانیم ، هجرت اول به حبشه در سال پنجم بعد از بعثت بوده است .

و همچنین بسیاری از علمای اهل سنت نوشته اند که ام کلثوم رقیه قبل از این که با عثمان ازدواج کند در عقد پسران ابی لهب بوده اند و بعد از آن که سوره تبت در حق ابی لهب نازل شد ، وی به فرزندان دستور داد که دختران رسول خدا را طلاق بدهند . ابن اثیر در اسد الغابة می نویسد :

قد زوج ابنته رقية من عتبة بن أبي لهب وزوج أختها أم كلثوم عتيبة بن أبي لهب فلما نزلت سورة تبت قال لهما أبوهما أبو لهب وأمهما أم جميل بنت حرب بن أمية حمالة الحطب فارقا ابنتي محمد ففارقاهما ...

أسد الغابة - ابن الأثير - ج 5 - ص 456 .

رسول خدا ، دخترش رقیه را به عتبه پسر ابی لهب و ام کلثوم را به عتیبه پسر دیگر ابولهب داد ، وقتی سوره تبت نازل شد ، ابولهب و همسرش ام جمیل که همان «حمالة الحطب» باشد ، به پسرانش دستور دادند که دختران محمد را طلاق دهند . پس آن ها را طلاق دادند ...

در حالی که می دانیم ، سوره تبت در زمانی نازل شده است که مسلمین در شعب ابی طالب در محاصره بودند . سیوطی در الدر المنثور می نویسد :

وأخرج أبو نعیم فی الدلائل عن ابن عباس قال ما كان أبو لهب إلا من كفار قريش ما هو حتى خرج من الشعب حين تمالات قريش حتى حصرونا في الشعب وظاهرهم فلما خرج أبو لهب من الشعب لقي هنداً بنت عتبة ابن ربيعة حين فارق قومه فقال يا ابنت عتبة هل نصرت اللات والعزي قالت نعم فجزاك الله خيراً يا أبا عتبة قال إن محمداً يعدنا أشياء لا نراها كائنة يزعم أنها كائنة بعد الموت فما ذاك وصنع في يدي ثم نفخ في يديه ثم قال تبا لكما ما أرى فيكما شيئاً مما يقول محمد فنزلت تبت يدا أبي لهب قال ابن عباس فحصرنا في الشعب ثلاث سنين وقطعوا عنا الميرة حتى أن الرجل .

الدر المنثور - جلال الدين السيوطي - ج 6 - ص 408

و محاصره در شعب ابی طالب در سال ششم بعثت و بعد از هجرت به حبشه بوده است .

با این حال چگونه می توان تصدیق کرد که همسر عثمان دختر پیامبر بوده است ؟

6 . محمد بن اسماعیل بخاری می نویسد ، شخصی پیش عبد الله بن عمر آمد و از او سؤالاتی کرد ؛ از جمله نظر او را در باره

عثمان و امام علی علیه السلام پرسید ، وی در مقایسه بین عثمان و حضرت علی علیه السلام می گوید :

أَمَّا عَثْمَانُ فَكَانَ اللَّهُ عَفَا عَنْهُ وَأَمَّا أَنْتُمْ فَكَرِهْتُمْ أَنْ تَعْفُوا عَنْهُ وَأَمَّا عَلِيٌّ فَأَبْنُ عَمِّ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَخَتَنُهُ ...

صحيح البخاري - البخاري - ج 5 - ص 157 .

اما عثمان ، خداوند از گناه او (فرار عثمان در جنگ احد) درگذشت ؛ ولی شما دوست ندارید که او را ببخشید ، اما علی علیه السلام پس او پسر عموی رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم و داماد او است .

ملاحظه می فرمایید که دفاع عبد الله بن عمر از عثمان فقط در این مطلب خلاصه می شود که خداوند از گناه فرار وی در جنگ احد درگذشته است ؛ ولی صحابه ای که علیه او خروج کردند ، او را نبخشیده و عثمان را کشتند ؛ ولی این که عثمان داماد پیامبر نیز باشد ، متذکر نمی شود . اما نسبت به امیر المؤمنین علیه السلام استدلال می کند که او پسر عموی پیامبر

و داماد آن حضرت است .

اگر عثمان داماد پیامبر بود ، باید ابن عمر به آن استدلال می کرد ؛ زیرا وی تمام تلاش خود را می کند که در برابر هر نوع تهمتی را از عثمان دفع کند و معنا ندارد که وقتی دلیل قویتری همانند دامادی پیامبر وجود دارد ، وی به دلیل سخیف و ضعیف استدلال کند ؛ زیرا عفو خداوند فقط شامل کسانی می شود که بعد از فهمیدن زنده بودن پیامبر از فرار دست کشیده و برگشتند و شامل عثمان که بعد از سه روز برگشت ، نمی شود . حتی اگر فرض کنیم که عفو خداوند شامل عثمان نیز می شود ، سبب نخواهد شد که خداوند تمامی گناهان او را که حتی بعد از آن نیز انجام داده بخشیده باشد ؛ بلکه حد اکثر شامل فرار او در همان جنگ می شود .

بنابراین شایسته بود که اگر دامادی عثمان صحت داشت ، به آن استناد می کرد .

7 . حضرت زهرا سلام الله علیها بعد از غصب فدک توسط ابوبکر به مسجد آمد و خطبه غرائی خواند که بسیاری از علمای اهل سنت آن را نقل کرده اند . آن حضرت در بخش های از این خطبه می فرماید :

أنا فاطمة بنت محمد أقول عودا علي بدء ، وما أقول ذلك سرفا ولا شططا... فإن تعزوه تجدوه أبي دون نسائكم وآخا ابن عمي دون رجالكم ، فبلغ الرسالة صادعا بالرسالة ناكبا عن سنن مدرجة المشركين ، ضاربا لثجهم آخذا بأكظامهم ، داعيا إلي سبيل ربه بالحكمة والموعظة الحسنة .

مناقب علي بن أبي طالب (ع) وما نزل من القرآن في علي (ع) - أبي بكر أحمد بن موسى ابن مردويه الأصفهاني - ص 202 و السقيفة وفدك - الجوهري - ص 142 .

ای مردم آگاه باشید که من فاطمه و پدرم محمد است ، گفتارم تماما یک نواخت از سر صدق بوده و از غلط و نادرستی به دور است ... اگر تحقیق کنید (پیامبر اسلام) پدر من بود نه پدر زنان شما ، و در عقد اخوت پسر عموی من بود نه شما . اگر زنان عثمان دختران پیامبر بودند ، نباید فاطمه زهرا سلام الله علیها که سرور زنان بهشت است ، چنین سخنی بگوید و از طرف دیگر عثمان نیز می توانست به این سخن حضرت اعتراض کند که زنان من نیز دختران پیامبر بودند .

8 . ابن الدمشقي و محب الدين طبري مي نويسند :

أن رسول الله صلى الله عليه وسلم قال لعلي : أوتيت ثلاثا لم يؤتتهن أحد ولا أنا ، أوتيت صهرا مثلي ولم أوت أنا مثلي ، وأوتيت زوجة صديقة مثل بنتي ولم أوت مثلها زوجة ، وأوتيت الحسن والحسين من صلبك ولم أوت من صلبي مثلهما ، ولكنكم مني وأنا منكم .

جواهر المطالب في مناقب الإمام علي (ع) - ابن الدمشقي - ج 1 - ص 209 و الرياض النضرة ج 2 ص 202 .

رسول خدا صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام فرمود : یا علی خدای تعالی سه گونه موهبت به تو عنایت فرموده است که به من و هیچیک از مردم ، عنایت نفرموده است :

۱ . پدر زنی مانند من به تو ارزانی داشته است که به من عنایت نکرده است ؛ ۲ . همسر پاکیزه گوهر راستگو و راست رو به تو مرحمت داشته که به من عنایت نفرموده است ؛ ۳ . حسن و حسینی از پشت تو به وجود آورده است که چنان دو فرزندی از پشت من بوجود نیآورده است ؛ آری ! من از شمایم و شما از من می باشد .

در این روایت پیامبر اسلام به صراحت می گوید که به احدی غیر از علی علیه السلام پدر زنی مثل من داده نشده است ، معلوم می شود که پیامبر دختر دیگری نداشته است و گرنه چنین سخنی نمی فرمود .